

کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتابخانه



گروه اسفندی

زینب فاری

موضوع:

وابستگی های

گروه اسفندی

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## راه تشخیص گروه های اسمی :

ابتدا به سراغ فعل رفته و نقش کلمات را تعیین می کنیم . هر کلمه یا میزانی از کلمات که دارای یکی از نقش های (نهادی ، مفعولی ، مسندی ، متممی ، منادایی ، تکرار اسم ها ، بدل ، معطوف به اسم ها ، قید مشترک با اسم و متمم قیدی) داشته باشد را به عنوان گروه اسمی در نظر میگیریم.



انواع وابسته های گروه اسمی :

وابسته های گروه اسمی به 2 دسته تقسیم می شوند:

الف) وابسته های پیشین

ب) وابسته های پسین

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



الف) وابسته های پیشین :

- 1) صفت اشاره : این گل ، آن گل ، همین گل ، همان گل .. نکته. چنین چنان همین همان یک تکواژند
- 2) صفت پرسشی : چند گل ؟ ، چه روزی ؟ ، کدام روز ؟
- 3) صفت مبهم : چند گل ، فلان روز ، همه ی مردم
- 4) صفت تعجبی : چه گلی ! ، عجب گلی !
- 5) صفت عالی : (صفت ها + ترین) بهترین گل
- 6) صفت شمارشی : الف) اصلی (اعداد) : دو گل ، سه گل. ب) ترتیبی نوع یک : (اعداد اصلی + مین) : دومین گل ، سومین گل
- 7) شاخص : شاخص ها ، عناوین و القابی هستند که اسم بعد از خود را مشخص میکنند و توضیح می دهند.

برای مثال : دکتر جواد ، آقا رضا ، استاد دهخدا

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## نکات :

- 1) وابسته های پیشین کسره نمی گیرند .  
در صورتی که کسره بگیرند خودشان هسته محسوب می شوند. (به استثنای همه ی. تمام و سایر : همه ی مردم « مردم هسته و همه وابسته پیشین »)
- 2) صفات پیشین ترکیب وصفی محسوب می شوند.
- 3) ممکن است یک اسم دو یا چند وابسته ی پیشین بگیرد ، در این صورت به تعداد هر یک از صفات پیشین یک ترکیب وصفی خواهیم داشت. (آن دو نفر دانش آموز : 2 ترکیب وصفی)

## نکات :

- 4) اگر دو یا چند صفت شمارشی اصلی با هم بیاید ، صفت شمارشی مبهم می باشد. (دو سه روز پیش)
- 5) چه و عجب به عنوان صفت تعجبی معمولاً با «ی نکره» همراه است. (چه گلی! ، عجب گلی!)
- 6) همیشه پیکان از وابسته به هسته می رود



## ب) وابسته های پسین :

1) ی نکره : گلی

الف) فقط نشانه نکره : در زمان قدیم مردمانی وجود داشتند .

ب) نشانه وحدت نکره : مردی آمد.

پ) نشانه وحدت : شیر کیلویی هزار تومان.

نکات :

1) ی نکره کسره اضافه را از بین می برد. مردی بزرگ بود (مرد بزرگی)

2) ی نکره در هر حال وند تصریفی است.

4) معمولاً هنگام رسم نمودار، ی نکره همراه هسته نوشته می شود اما هنگام شمارش، به عنوان یک وابسته پسین شمرده می شود.

گروه اسمی

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



انواع ی :  
الف) ی نکره

## وابسته های پسین :

ب) ی حاصل مصدر (ی اسم ساز): بزرگی به عقل است. «وند اشتقاقی است»

ج) ی نسبت : دانش آموز گنابادی. (صفت نسبی). «وند اشتقاقی است»

د) ی صامت میانجی : دانشجویان «فقط صامت است»

ه) ی استمرار : نماز کردمی (نماز می کردم) «تاریخی است»

و) ی شناسه : رفتی «وند تصریفی است» ،

ز) ی صفت لیاقت ساز : پوشیدنی ، دیدنی ، مردنی. (مصدر + ی)

ح) ی اسنادی : تویی (تو هستی) که یک واج یک تکواژ و یک واژه محسوب می شود

**مجید دلیری**

دبیر ادبیات فارسی گناباد



## ب) وابسته های پسین :

(2) نشانه های جمع :

الف) فارسی : ها (گل ها) ،

ان (مردان ، دانایان ، فرشتگان ، آهوان ، پلکان)

ب) عربی : ون ، ین ، ات (ات : مطالعات ، جات : سبزیجات) نکات :

1) در چند تست کنکور نشانه های جمع هنگام واج شماری به اشتباه جزء هسته محسوب شده اند

2) هرگاه نشانه های جمع صامت میانجی بگیرند فرآیند واجی افزایشی است . (کارخانجات ، دانشجویان)

3) در صورتی که نشانه جمع «ها» به اسامی خاص اضافه شود ، وند شباهت است و در حقیقت تشبیه در جمله می باشد

4) در شمارش تعداد وابسته های پسین نشانه های جمع را می شماریم

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد

## ب) وابسته های پسین :

3) مضاف الیه : اسم ها ضمائر یا صفت های جانشین اسم اند وقتی به اسمی دیگر

اضافه شوند : گل لاله ، گل من

4) صفت شمارشی ترتیبی نوع 2. مانند : گل دوم.

5) صفت بیانی :

انواع صفت بیانی :

الف) صفت بیانی ساده (یکی از ویژگی های اسم از قبیل رنگ بو شکل اندازه مزه و ... را بیان می کند)

ب) صفت فاعلی

پ) صفت مفعولی

ت) صفت نسبی

ث) صفت لیاقت

**مجید دلیری**

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## صفت بیانی :

(الف) صفت بیانی ساده : گلِ بزرگ

(ب) صفت فاعلی : صفتی است که بر انجام دهنده کاری دلالت دارد. (مرد آموزگار یعنی آموزش را انجام می دهد)      طریقه ساخت :

(1) بن مضارع + ا : مردِ بینا ، (گویا ، رها. سزا)

(2) بن مضارع + -نده : دونده ( نکته : در صورتی که مرکب شود ، «-نده» حذف می گردد.) گوینده می شود قصه گو

(3) بن مضارع + ان : مردِ دوان ، آبِ روان ، کودکِ گریان. برق جهان

(4) بن مضارع + کار : مردِ جوشکار ، تراشکار ( در کتاب ، صفاتی را که اسم شغل واقع می شوند ، گاه اسم و گاه صفت گرفته است.)

(5) بن مضارع + گار : آموزگار

(6) بن ماضی + ار : خریدار ، گرفتار

(7) بن ماضی + گار : آفریدگار

(8) اسم + کار : فراموش کار ( در کنکور به اشتباه فراموش کار را مرکب گرفته اند پس ما هم تا مطمئن نباشیم گزینه درست تر یا غلط تری وجود دارد آن را مرکب می گیریم)

(9) اسم + چی : پستیچی      (10) اسم + گر : کارگر

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## صفت پيانی :

(پ) صفت مفعولی : صفت کسی یا چیزی است که کار بر آن واقع شده است.

طریقه ساخت :

بن ماضی + ه : کشته . پخته . بافته ، پرنده ی مرده

نکات :

1) اگر صفت مفعولی مرکب شود ، معمولاً « ه » حذف می گردد. (فرشِ دست بافت (صفت مفعولی مرکب مرخم) ، در صورتی که دست بافته بوده است )

2) اگر از افعال ناگذر صفت مفعولی بسازیم ، معنای فاعلی می دهد. (انسانهای رفته)

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## صفت بیانی :

(ت) صفت نسبی : صفتی است که کسی یا چیزی را به کسی یا چیزی یا مکانی و... نسبت داده و متصف می کند

طریقه ساخت :

(1) اسم + ی : دانش آموز گنابادی

(2) اسم/صفت + ین : نانِ جوین ، وزنه ی سنگین ، جامِ زرین

(3) اسم + ینه: لباسِ پشمینه

(4) اسم + ه : یشم بهاره (اگر اعضای بدن + ه شوند : مشتق : دسته ، دماغه ، ساقه ، لبه ، ریشه ) حلقه عربی است و ساده

(5) اسم + انه : خنده ی کودکانه

(6) اسم + مند : مرد دانشمند ، زورمند ، گله مند

(7) اسم + آسا : حرکتِ رعدآسا \*

(8) اسم/صفت + وش : پنبه وش \* (هر جا این صفات باشند آرایه تشبیه نیز می باشد.)

(9) اسم + گون : آسمان نیلگون \* (10) اسم + فام : سیاه فام ، نقره فام \*

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی گناباد



## صفت بیانی :

ث) صفت لیاقت : صفتی است که ارزش کاری را می رساند. فیلمی که ارزش دیدن

دارد میگوییم فیلم دیدنی

طریقه ساخت :

مصدر + ی : فیلم دیدنی

نکات :

1) گاهی صفت لیاقت به صورت عبارت وصفی می آید. (روز به یاد ماندنی ، روز فراموش نشدنی)

2) گاهی با فرمول فعل نهی نیز صفت لیاقت ساخته می شود.

(نتوان گفت به هرکس اسرار مگو را ، مگو : نگفتنی)

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## نقش های تبعی :

نقش هایی که به واژه و نقش دیگری وابسته اند و از آن تبعیت می کنند.

الف) معطوف

ب) بدل

پ) تکرار

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد





## معطوف :

هرگاه بین دو یا چند واژه حرف عطف ( و ) بیاید آنها را به یکدیگر معطوف می سازد که در حقیقت نوعی هم نقش سازی است.  
برای مثال : حسن و رضا و علی را دیدم.

نکته:

معطوف به هر نقش ، همان نقش را دارد یعنی معطوف به مفعول ، مفعول است یا معطوف به نهاد ، نهاد است.

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## بدل :

بدل آن گروه اسمی است که گروه اسمی قبل از خود را توضیح می دهد. درحقیقت بدل ها ، تعبیر ، عنوان یا برداشت هایی از اسم قبل خود می باشند.

انواع بدل:

(الف) بدل توضیحی : زمانی است که بدل ، اسم قبل از خود را توضیح می دهد : حضرت علی (ع) ، امام اول ما شیعیان ، فرمودند.

(ب) بدل تأکیدی : زمانی است که بدل ، تأکیدی بر اسم قبل از خود است : من خودم این موضوع را به تو گفتم.

من ، خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود.

(پ) بدل تشبیهی : این بدل بر پایه تشبیه است و یک آرایه تشبیه نیز می باشد : ماه ، این مشعل آسمانی ، در آسمان می درخشید.

نکته 1: بدل برای هر نقش ، همان نقش را دارد.

نکته 2: اگر ابتدا ضمیر مشترک بیاید اسم یا ضمیر بعد از آن مضاف الیه است . مانند : خود من (من مضاف الیه است نه بدل)

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



تکرار :

زمانی است که یک نقش تکرار می شود.

برای مثال : باران می بارد باران.

نکات:

(1) یادمان باشد در شمارش جمله ، تکرار را جمله ای جداگانه محسوب نکنیم حتی اگر تکرار فعل باشد.

(2) تکرار در حقیقت برای تاکید مضاعف می باشد.

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## وابسته های وابسته :

به وابسته هایی که از طریق یک وابسته دیگر به هسته مربوط می شوند وابسته های وابسته می گویند. به عبارت دیگر پیکان آنها به کلمه ای غیر از هسته وصل می شود و سپس از طریق آن به هسته می رسد.

انواع وابسته های وابسته :

(الف) ممیز

(ب) صفت صفت

(پ) مضاف الیه مضاف الیه

(ت) صفت مضاف الیه

(ث) قید صفت

(ج) شاخص مضاف الیه

**نکته:** از میان این موارد ، تنها **ممیز** به وابسته های **پیشین** وابسته می شود و سایر موارد به وابسته های **پسین** وابسته می شوند.

**مجید دلیری**

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## وابسته های وابسته :

الف (ممیز)

انواع ممیز :

الف (واحد شمارش معمولاً قابل حذف : (دو دستگاه ماشین

ب (واحد های اندازه گیری ، وزن ، مسافت و... معمولاً غیر قابل حذف : (دو کیلو گندم

واحد های شمارش:

فرش : تخته ظرف : دست نهال : اصله شتر : نفر سیگار : نخ ، بسته

گوسفند : راس ، گله گرگ : قلاده توپ جنگی : عزاده منزل : باب آپارتمان : دستگاه جوجه : قطعه

نکات :

(1 یادمان باشد» تا «واحد شمارش همگانی است 2). تا فرش ، 2 تا ماشین)

(2 ممیز اکثراً به صفت شمارشی وابسته است ولی به صفت مبهم ، صفت پرسشی و حتی صفت عالی هم ، وابسته می شود . مانند : چند دستگاه ماشین خریدی؟

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## وابسته های وابسته :

(ب) صفت صفت : رنگ آبی آسمانی ، رنگ سرخ روشن

نکته : یادتان باشد اسم می تواند دو صفت بگیرد. (رنگ آبی دوست داشتنی ، جلد کهنه سفید) که نباید با صفت صفت اشتباه شود.

(پ) مضاف الیه مضاف الیه : هرگاه سه اسم به هم اضافه شوند اسم اول هسته ، اسم دوم مضاف الیه (وابسته) و اسم سوم مضاف الیه مضاف الیه (وابسته وابسته) خواهد بود.

برای مثال : جلد کتاب علی ، رنگ لباس دانش آموز

(ت) صفت مضاف الیه : زمانی است که مضاف الیه خود صفت گرفته باشد.

برای مثال : جلد این کتاب خوب. کتاب مضاف الیه و «این و خوب» صفت مضاف الیه هستند

(ث) قید صفت : هوای بسیار سرد

(ج) شاخص مضاف الیه : کتاب آقا رضا ، گوشی دکتر رضا

مجید دلیری

دبیر ادبیات فارسی کتاباد



## طریقه رسم نبودار پیکانی در گروه اسمی :

- (1) ابتدا به روش هایی که گفته شد گروه اسمی را پیدا کرده و از جمله خارج میکنیم.
- (2) به سراغ اولین کلمه کسره دار رفته و آن را به عنوان هسته در نظر میگیریم. (همه تمام و سایر کسره هم وابسته محسوب می شود)
- (3) به سراغ وابسته های پیشین رفته به ترتیب از نزدیک به دور آنها را با پیکانی به هسته وصل می کنیم. (حواسمان به ممیز باشد)
- (4) به اولین کلمه بعد از هسته دقت می کنیم. اگر کسره داشت پیکانی از آن به هسته برمی گردانیم. (این کلمه یا صفت است یا مضاف الیه ، اگر صفت بود آنرا ندیده گرفته و به سراغ واژه ی بعدی می رویم و پیکانی از آن به شرط اینکه صفت نباشد و کسره داشته باشد به هسته بر می گردانیم و اگر صفت بود باز هم آنرا ندیده می گیریم و کار را ادامه می دهیم. اما اگر کلمه بعد از هسته مضاف الیه بود هسته ی اولیه اعتبار خود را از دست می دهد و گروه اسمی دوباره از اینجا شروع می شود) نکته : در صورتی که مضاف الیه در یک ترکیب ، اضافه جنس باشد باید این مضاف الیه ها ندیده گرفته شوند مانند ساعت طلای علی ( مضاف الیه جنس است ) ، 5 و اگر واژه ی بعد از هسته کسره نداشت پیکانی از آن به کلمه کسره دار یا گاهی صفت بعد، وقتی این کلمه قید صفت باشد می بریم و بعد به هسته بر می گردانیم.
- (6) در یک گروه اسمی اگر هیچ کلمه ای کسره نداشت آخرین کلمه هسته است. برای مثال : آن دو نفر (نفر هسته)



## دنباله رسم نمودار گروه اسمی

7) اگر بعد از تعیین صفت و یا مضاف الیه حرف عطف ( و ) باشد مسلماً کسره نخواهد داشت بنا بر این به واژه بعد

نگاه می‌کنم و همیشه پیکان واژه بعد از (و) را به همان جایی می‌بریم که پیکان واژه قبل از (و) رفته است. مثال: رنگ پنجره و در و سقف کلاس. (پنجره و در و سقف مضاف الیه هستند برای رنگ و سه پیکان از آنها به رنگ می‌رود) و جالب است که کلاس هم مضاف الیه است برای رنگ و در و سقف به ترکیبات توجه کنید (رنگ پنجره . رنگ در . سقف . پنجره کلاس . در کلاس . سقف کلاس).

8) اگر بعد از هسته که کسره دارد حرف اضافه ای باشد اغلب متمم صفت است و با صفت بعد از خود حکم یک گروه صفتی دارد مانند / کودک از عطش سوخته (کودک هسته . از عطش سوخته صفت) (بوده سوخته از عطش)

تذکر . به هر تعداد پیکانی که روی هسته می‌آید وابسته داریم و هر پیکانی که روی واژه ای غیر از هسته رفته است وابسته وابسته است.



## یاد آوری مهم.

نکته. اگر بعد از هسته که کسره دارد حرف اضافه ای بود اغلب گروه وصفی داریم که شامل ( متمم صفت و صفت خواهد بود) مانند: دشت های در تاریکی فرورفته. در تاریکی فرو رفته گروه وصفی (در تاریکی) متمم صفت و فرورفته صفت است. از این قبیل است. کودک از عطش سوخته (که بوده سوخته از عطش) نکته ۲. گاهی بعد از هسته باز هم گروه وصفی داریم اما با حرف اضافه شروع نمی شود که باید کل عبارت را یک صفت و مشتق مرکب بدانیم مانند کوه سر به فلک کشیده. انسان دست و دل باز

